

چالشهای دانشگاهها

به قلم دکتر موید حسینی صدر

مدیر مسوول

چالشهای شروع دانشگاهها از چند منظر قابل بررسی است.

۱- از لحاظ کمی

خوشبختانه در حال حاضر دانشگاههای ما به لحاظ تعداد و ظرفیت پذیرش دانشجویان به حد کافی رشد کرده اند و ظرفیت دانشگاهها در رده کارشناسی پاسخگوی متقاضیان می باشد. اما در سطح کارشناسی ارشد و دکتری متأسفانه ظرفیت پذیرش دانشگاهها یک دهم تعداد داوطلبان است و ۹۰ درصد متقاضیان تحصیلات تکمیلی قادر به ورود به دانشگاه نمی باشد.

۲- توزیع رشته های دانشگاهی

متأسفانه در این مورد اقدام کارشناسی به عمل نیامده است و دانشگاهها ایجاد رشته ها و پذیرش دانشگاهها و همینطور صدور مجوز برای آنها صرفاً به شرط تامین شرایط لازم مجوز صادر و دانشگاهها توسعه پیدا کرده است. یعنی در این میان دو عامل مهم نادیده گرفته شده است:

اول: نیاز کشور

دوم: آینده شغلی فارغ التحصیلان

۳- کیفیت دانشگاهها

در حال حاضر به اعتراف دوست و دشمن و به تصریح مجامع علمی بین المللی، کیفیت دانشگاههای ایران از اکثر دانشگاههای منطقه بالاتر است و از نظر سطح تحصیلات تخصص با دانشگاههای معتبر دنیا برابری می کند که مایه مباهات است.

۴- جهت گیری و اهداف پژوهشها

متأسفانه در این مورد هم کار شایسته ای صورت نگرفته است. چرا که بسیاری از تحقیقات دانشگاههای ما صرفاً در جهت ارتقای علمی و کسب امتیازهای پژوهشی است و متأسفانه در راستای رفع مشکلات صنعتی کشور و افزایش کیفیت محصولات نیست. به عبارت ساده تر ما در تولید علم موفق شده ایم اما در به کار گیری علم یعنی عرصه تکنولوژی وضعیت رضایت بخشی نداریم

۵- عرصه های تک High Tech

در حوزه های از قبیل مسایل دفاعی، تکنولوژی هسته ای، حوزه نانو تکنولوژی، رویان شناسی، پزشکی، موشک های دوربرد و کاتالیستها ... ما از هم اکنون به اهداف سند چشم انداز دست یافته ایم و اولین کشور منطقه هستیم.

۶- فرهنگ و سنت خودمان

در زمینه ترویج فرهنگ و سنت اسلامی، ایرانی و بومی در دانشگاه‌ها توفیق بالایی نداشتیم و با افراط و تفریط مواجه بوده ایم.

از متولیان محترم حوزه علم و دانش و فرهنگ بخصوص وزرای علوم و بهداشت و درمان انتظار داریم در آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌های فوق را مد نظر قرار دهند و مسیری که در برنامه پنجم توسعه در این حوزه برای کشور ترسیم شده است، باید مد نظر قرار گرفته و اساس سیاست گذاری باشد،

اکنون در رشته‌های تحصیلی زیادی فارغ التحصیلان بیکار هستند و متأسفانه پذیرش دانشجویان در این رشته‌ها نه تنها ادامه دارد بلکه بعضاً در حال افزایش نیز می‌باشد. دانش‌آموزی که در آرزوی ورود به دانشگاه است نمی‌تواند به درستی تشخیص دهد که چه رشته‌ای مورد نیاز و آینده دار است. مسوولان اگر به آنها درست خط دهی نکنند و مسیری منتهی به اشتغال و موفقیت برای آنها ترسیم نکنند قطعاً مشمول الذمه خواهند بود و بدانند که در مسوولیت خود کوتاهی کرده‌اند.

در سایر موارد نیز که برشمردم وظیفه مسوولان، متولیان، سیاست‌گذاران و مسوولان اجرایی کاملاً مشخص است و کوتاهی آنها صدمات جبران‌ناپذیری به کشور می‌تواند وارد کند. این مسایل امروز نیاز به توجه فوری و کارشناسی دارند و معاونت‌ها مختلف وزارتین علوم و بهداشت باید در سال نخست اجرای برنامه پنجم و در آغاز سال تحصیلی ۹۰-۹۱ اقدامات خود را سرعت بخشند و گزارش آن را به مجلس و مردم ارائه دهند و ارزیابی واقع بینانه از شرایط دانشگاه‌ها و توانمندی آنها و نیازها و خواسته‌های دانشجویان و اساتید داشته باشند.

نکته دیگری که می‌خواهم مورد تاکید قرار دهم ضرورت اولویت بندی در استخدام هاست. اطلاع دقیق دارم که در موارد متعددی بهترین فارغ التحصیلان دانشگاه‌های بزرگ ما بیکار هستند اما فارغ التحصیلان یک دانشگاه غیر معتبر از کشورهای همسایه در موقعیت ممتاز یا احیاناً در مسند تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی مشغول بکار هستند. آیا این مساله بزرگترین ضربه روحی را به نخبگان و تحصیل کرده‌گان وارد نخواهد کرد؟

البته که در دانشگاه‌ها باید شایسته‌سالاری و نخبه‌سالاری حاکم باشد و کسانی که از لحاظ علمی توانمندترند در راس قرار گیرند که متأسفانه مواردی وجود دارد که به جای باسوادها و باهوش‌ها و نخبه‌ها، آدم‌های کم‌توان و «خوش‌رابطه» در راس هستند و این نیز در محیط دانشگاهی و در میان تحصیل‌کردگان موجب یاس و دل‌سردی می‌شود.

در این مقطع از عمر نظام اسلامی انتظار جدی این است که نکات فوق‌الذکر مد نظر قرار گیرد و کشور عزیزمان مسیر تعالی علمی، فنی و فرهنگی خود را پرشتاب‌تر بپیماید و البته باید اضافه کنم که بارقه‌هایی از امید که در ذهن‌ها آشکار شده است بدلیل برخی اقدامات سنجیده مسوولان ذیربط می‌باشد و امیدوارم در آینده شاهد رفع نگرانی‌هایی باشیم که در بالا بدان‌ها اشاره شد.